

## تأثیر مغان در نظام طبقاتی عصر ساسانیان

سیده شیدا غریب زاده

[s.a.gharibzadeh@gmail.com](mailto:s.a.gharibzadeh@gmail.com)

دانشجوی دکترای تاریخ ، واحد نجف آباد اصفهان.دانشگاه آزاداسلامی، نجف آباد اصفهان، ایران

احمد کامرانی فر (نویسنده مسئول)

[kamranifar@yahoo.com](mailto:kamranifar@yahoo.com)

گروه تاریخ، واحد نجف آباد اصفهان، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف آباد اصفهان، ایران

محمد کریم یوسف جمالی

[Karimjamali2000@gmail.com](mailto:Karimjamali2000@gmail.com)

گروه تاریخ، واحد نجف آباد اصفهان، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف آباد اصفهان، ایران

فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ (شاپا ۰۲۷۱-۲۰۰۸) - سال ۱۶ شماره ۶۲ - صفحه ۲۵۵-۲۳۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۵/۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۸/۳۱

### چکیده:

زمینه وهدف: دولت ساسانی با احیا و تقویت دین زرتشتی به آن جنبه رسمی - دولتی داد وروحانیان زرتشتی یک از نهادهای اساسی شاهنشاهی ساسانی شدند. روحانیان زرتشتی به عنوان نگهبان دین زرتشتی، همبستگی به سازمان های سیاسی و مقتدر کشور داشتند. پژوهش حاضر در صدد است تا به بررسی تأثیرمغان بر نظام طبقاتی عصر ساسانیان بپردازد. مواد وروش: این مقاله باروش توصیفی و تحلیلی به تجزیه و تحلیل روند تأثیر گذاری روحانیون زرتشتی وروابط اجتماعی جامعه ایرانی عصر ساسانی می پردازد. یافته ها: با وجود نفوذ موبدان زرتشتی در امور حکومتی و درون جامعه، دور از ذهن نیست که این طبقه در همه امور در روزگار ساسانیان اختیارات وسیعی داشتند در عصر ساسانیان که دین زرتشت بر تمام نقاط ایران مستولی شد، مغان پیشوایان این دین بودند. اندیشه مغان بر دین زرتشتی سایه افکند در واقع، اندیشه دینی زرتشتی تبدیل به اندیشه مغان شد. در این دوره حرکت ها و جنبش های اجتماعی رخ داد که نشانگر این است که مردم به دنبال شرایط بهتری بودند. به دنبال همین مناسبات عادلانه جامعه ایران شیفته اندیشه برابری طلبانه پس از ورود اسلام به ایران شد. بعد از این دوره، رکودی بر پیکره سیاست این سلسله حاکم شد، آن گونه که دیگر دین زرتشتی در موقعیتی نبود تا در مقابل هجوم همه جانبه مسلمانان پایداری کند

واژگان کلیدی: روحانیان، زرتشتی، عصر ساسانی، ستم طبقاتی.

### مقدمه

در روزگار ساسانی، آیین مزدیسنا در فرایند یکنواخت شدن آموزه‌های دینی و هدایت همه روحانیان به سوی نظامی دینی و آرمانی و حمایت از دولت ساسانی، عصر تازه‌ای را در ایجاد یک دولت آیینی پدیدار می‌کرد چون اردشیر بابکان خود موبدزاده بود و به یاری روحانیان دین زرتشت به سلطنت رسید، به هر وسیله که بود دین نیاکان خود را در ایران انتشار داد و چون پایه تخت ساسانیان بر پشتیبانی موبدان قرار گرفت، از آغاز، موبدان نیروی بسیاری در ایران یافتند و مقتدرترین طبقه ایران را تشکیل دادند. بدین سان اتحاد و همبستگی میان دین و دولت و اندیشه‌ها و باورهای مشترک، آنها را به هم پیوند می‌دهد. عصر ساسانیان دوره حاکمیت دین زرتشتی بر همه ارکان جامعه به شمار می‌رود. هنجارها و ارزش‌ها همواره تعاملات و روابط اجتماعی را بر محور اندیشه دینی بنا کرده بودند، بر اساس اندیشه و باورهای دینی زرتشتی‌گری ساسانی، جبرگرایی دینی مردم راهی جز تسلیم و سکوت نداشتند. از طرفی، گرفتار فقر و فاقد امید به آینده بودند... سوالی که مطرح می‌شود این است که مناسبات و روابط اجتماعی مغان و دولت ساسانی بر چه پایه ای استوار بود؟ بود؟ روحانیون در تأثیری بر جامعه عصر ساسانیان داشتند؟

### پیشینه

پژوهشگران زیادی در حین پرداختن به تاریخ ساسانیان ان محمدتقی ایمان‌پور (۱۳۶۹)، «نقش روحانیان زرتشتی در تقویت حکومت ساسانی و دیانت زرتشتی» ساسانیان مقاله دیگر وی با عنوان وی «مبانی نفوذ و مقام روحانیان زرتشتی در دوره ساسانی» در ارتباط با جایگاه روحانیت و تأثیر آنان بر حکومت ساسانیان پرداخته است. در باره قهرمانی قره شیران (۱۳۹۲) تحلیل و بررسی زندگی سیاسی - اجتماعی کرتیر به این مسئله پرداخته که به نقش موبدان، کرتیر و اتحاد با اردشیر برای ایجاد یک حکومت دینی اشاره دارد. اشاره کرد. کتابهای زرن ۱۳۷۵ و کریستین سن ۱۳۸۹ و دریایی ۱۳۹۰ که در این مقاله از نظریات ایشان بهره بردیم.

### تعامل و روابط اجتماعی شاه و روحانیان

رئیس موبدان را موبدان موبد نام داشت که تمام امور مذهبی در درجه نهایی با نظر او حل و فصل می شد. این شخص را شاه انتخاب می کرد (پیرنیا، ۱۳۸۴: ۲۴۰). که در تمام موضوعات فتوا می داد و مسئولیت سیاست های روحانیت را بر عهده داشت.

شاه در جمیع مواردی که با مذاهب تماس داشت، رأی موبدان موبد را می خواست. این شخص از آنجا که هادی معنوی و مشاور روحانی شاه بود، در تمام شئون کشور نفوذ فوق العاده داشت. مغان اندرزبذ (مگوگان اندرزبذ) آموزگار مغان یکی از عناوین موبدان موبد بوده است (کریستن سن، ۱۳۸۹: ۱۳۹). در عصر ساسانیان، زمانی پس از شخص شاه موبدان موبد مقام نخستین را در کشور داشت و گاهی هم پس از بزرگ فرمذار نام او برده شده است. واصل رضایت موبدان بود. دستور اصلی تنسر به پادشاه حفظ وحدت دینی است و اگر تا قبل از این، موبدان بار دین را برمی داشتند، اکنون این پادشاه است که باید دولت را ابزار دین قرار دهد و آتشکده های پراکنده را خاموش کند (آذری، ۱۳۵۳: ۶۸) چنانچه که موبدان موبد قبل از بزرگ فرمذار ذکر شده، بنابراین موبدان موبد در میان سران کشور حائز مقام نخست بوده است (کریستن سن، ۱۳۸۹: ۲۹۰). بالاخره روحانیت زرتشتی در آن زمان از اتحاد دین و دولت صاحب املاک وسیع، اوقاف پرعواید، و سرمایه و تجمل بسیار شد (زرین کوب، ۱۳۷۶: ۲۹۰-۲۹۱؛ رازی، ۱۳۷۵: ۱۱۷).

بارزترین نمونه انتصاب به مقام هیربدی از سوی شاپور اول که همه اهرم های دینی را که به وزنه سیاسی منتهی می شدند به دست گرفت، به وسیله کرتیر موبد انجام شد که در عهد شاپور هیربدی ساده بود و به روزگار جانشینان او تدریجاً به عنوان نماینده روحانیت کشور از حیث قدرت معارض اراده پادشاه شد و به عالی ترین مناصب دینی ارتقا یافت؛ در واقع در رأس اتحاد دوگانه دین و دولت قرار گرفت. رسمی کردن عملی و جدی آیین زرتشت در سراسر کشور در واقع به سعی کرتیر انجام شد (زرین کوب، ۱۳۷۶: ۲۸۷؛ رجیبی، ۱۳۸۲: ۸۶).

بدین سان، روشن است که موبدان بیشترین قدرت را یافتند و آیین آتش و آب و رمه تقویت گردید و ازدواج با محارم ترغیب گشت و تقریباً این همه آن چیزهاست. کرتیر در حقیقت، علاقه‌مند به احیای جنبه‌های ویژه اعمال دین زرتشتی بود؛ اعمالی که مشخصاً در میان مزدیسنان و زروانی‌ها عادی و رایج بود. به نظر نمی‌آید که او به تدوین و تنظیم آیین علاقه‌مند بوده باشد. او خود را یک امپریالیست دلسوز مذهب نشان می‌دهد. کسی که عقاید بیگانه را در ایران فرو می‌نشاند و سرکوب می‌کند و در آن فکر است که آیین ملی را در تمام سرزمین‌های بیگانه متعلق به امپراتوری برپا سازد و درعین حال، دیوپرستان ایرانی و مرتدان را به جرگه پیروان خویش بازآورده، یاغیان را ریشه کن کند (زهر، ۱۳۸۷: ۵۴) براساس سنگ‌نوشته کعبه زرتشت کرتیر، ارتقاء مقام کرتیر از هیربدی به موبدی دلالت بر این دارد که موبدی مقامی برتر از هیربدی بوده است. این عنوان نخستین بار در کتیبه‌های کرتیر آمده و به نظر می‌رسد از اختیارات فراوانی برخوردار بوده است. او این مقام را پس از هیربدی به دست آورد. این گمان نیز وجود دارد که کرتیر در مقام هیربد - پرستار، در گردآوری بخش‌های گوناگون اوستا در زمان شاپور یکم نقش داشته است (ایمان‌پور، ۱۳۶۹: ۲۲۰). با داوری براساس سنگ‌نوشته‌های شاپور و کرتیر در کعبه زرتشت، می‌توانیم حدس بزنیم لشکرکشی‌های شاپور در غرب و تصرف بخش‌هایی که بعدها بخشی از انیرانشهر شدند، چه تأثیر بسزایی در فرایند سلسله‌مراتبی شدن دستگاه روحانیت و سازوکار گسترش آتشکده‌ها و مناصب مرتبط با آنها بر جای گذاشت. شاپور در سنگ‌نوشته‌اش آشکارا می‌گوید که برای شادی روان خود و فرزندان آتش‌های بهرام برپا کرده و گوسفند، شراب و نان نثار آنها کرده است (کعبه زرتشت: Škz: بند ۲۳) چند سال بعد، کرتیر با این ادعا که درباره آتشکده‌ها از شاپور دستور مستقیم گرفته است، چنین می‌گوید که در همان مناطقی که شاپور و دیگر شاهان از انیرانشهر در اختیار داشتند یا از انیرانشهر تصرف کردند، آتشکده‌ها برپا شد. مغ مردان شادروان و کامروا شدند؛ برای بسیاری از آتشکده‌ها و مغان وقف‌نامه مهر شد و به هرمزد و ایزدان سود بزرگ رسید و اهریمن و دیوان را گزند بزرگ

بود کرتیر در سنگ‌نوشته نقش رجب نیز ادعا می‌کند آتشکده‌ها را بازسازی کرده، از زیان و غارت بازداشته و آنچه را غارت کرده‌اند، به آنها بازگردانیده است. او می‌گوید از آغاز تا زمان خودش، از سوی شهریاران و خدایان (فرمانروایان) بسیاری آتشان (آتشکده‌ها) و موبدان را سند و پیمان‌نامه مهر کرده، نام خویش را در بسیاری جای‌ها بر سند و پیمان‌نامه و گزارش‌ها نوشته است (سرمشهد: ksm بند ۲۴) کرتیر چنان قدرت مذهبی فوق‌العاده زیادی داشت که منجر به زرتشتی‌گری و حکومت مطلق‌العنان مذهبی ساسانیان شد. کرتیر خود دربارهٔ موقعیت خویش در نزد بهرام اول می‌نویسد پس از آنکه هرمزد شاهنشاه به گاه بغان شد، کرتیر در دربار ساسانی چنان جایگاهی یافته است که نظر دینی کسی را یارای ایستادگی در برابر او نیست و حتی خود شاه که به او در سراسر کشور جاه و مقام داده، تنها یک بازیچه است (رجبی، ۱۳۸۲: ۱۲۱). کرتیر در سنگ‌نبشتهٔ خود در کعبهٔ زرتشت، به خود می‌بالد که بهرام دوم تولید آتشکدهٔ آناهیداردشیر و آناهید و آناهیدبانوی اصطخر را به او سپرده است (رجبی، ۱۳۸۲: ۴۵۷). ضعف و ناتوانی‌ای که در نتیجهٔ چیرگی کرتیر و کارگزارانش، به‌ویژه دوران بهرام یکم و بهرام دوم، و به‌دلیل سرکوب مانویان و عیسویان و دیگر ادیان، برای قدرت شاهی ایجاد شد، رقابت میان سران بلندپایهٔ روحانیت و دستگاه شاهی را افزایش داد (ایمان‌پور، ۱۳۶۹: ۲۲۴ - ۲۲۳).

در میان پادشاهان ساسانی هیچ‌کس به‌اندازهٔ خسرو اول به تحقق آرمان‌شاهی به‌عنوان چیزی که مورد تأیید دستگاه موبدی است، اهتمام نورزید. از این حیث، جالب است که شاهی را پیوند میان خدا و انسان توجیه و تفسیر می‌کند و اندیشهٔ خود را به فراسوی ارادات و به‌سوی ارادهٔ سرور که همانا شاه مورد تأیید به دین است، متوجه می‌سازد. خسروهمانی است که انتظار می‌رود باید به‌دین را محترم شمارد و بدعت را ریشه‌کن کند. قانون شاه باید رواج یابد و از آن اطاعت شود و در نهایت رعایای پادشاه باید بیشترین هم‌خود را در جهت کمک به یکدیگر و جلوگیری از دشمنان و بیگانگان به کار بندند. او افراد راتحت اطاعت پرچم مذهب مغان جمع کرد (زئر، ۱۳۷۵: ۴۹۵).

### خویشکاری و دوده موبدان

براساس اندیشه دینی زرتشتی، وظایف و خویشکاری روحانیان تعیین شده بود که یکی از مهم‌ترین آنان اجرای مراسم دینی است. در جامعه طبقاتی ساسانی، فره نیز مفهومی طبقاتی یافت. فره آسرونان یا روحانیان، فره کیان یا فره سلطنت و جز آن، نشان‌دهنده تأثیر این تحولات طبقاتی بر امر فره است (بهار، ۱۳۸۷: ۱۵۷-۱۵۶). چنانچه در بندهش نیز آمده که فره ناگرفتنی هرمزد آفریده متعلق به آسرون‌ها (روحانیان) است، زیرا دانایی همواره با آنان است و اورمزد خود نیز روحانی است (فرنبغ دادگی، ۱۳۹۰: ۱۰۹). درباره دوده موبدان در کتاب بندهشن نقل شده، سه پسر زرتشت هرکدام پیشوا و در رأس این سه طبقه بودند.

ایست‌واستر (Isat-wāstra) نخستین پیشوای مذهبی بزرگ و اولین موبد بوده و موبدان از نسل او هستند (رضی، ۱۳۸۰: ۱۵۶) که البته در بندهشن، پسر بزرگ زرتشت مقام موبدان موبد داشته است و نام او ایست‌واستر آسرون آمده است (فرنبغ دادگی، ۱۳۶۹: ۱۵۲). چنانچه در یسنا، هات ۲۳، بند ۱، از پسر زرتشت یاد می‌شود «خواستار ستایشم، فروشی‌های اهورامزدا و امشاسپندان را فروشی‌های مهم اشون مینوی را خواستار ستایشم، فروشی‌های گیومرث، زرتشت سپیتمان، کی گشتاسب، ایست‌واستر، پسر زرتشت، فروشی‌های پاک همه نخستین آموزگان کیش را (دوستخواه، ۱۳۸۶: ۱۸۲). همه موبدان را که در خداینامه از همان دوده خوانند از تخمه منوچهرند (بهار، ۱۳۸۰: ۱۵۴). اما عده‌ای قبول دارند که آغاز و شخصیت جامعه مغان در گمنامی تاریخ پوشیده شده است. واضح بود که آنها از نژاد آریایی نیستند، ولی در ممالک و سرزمین‌های غربی ایران، حتی در اورشلیم، مرکز یهود، معروف بوده‌اند و مهارت ایشان در سحر و جادو مشهور بود. در بابل، حتی قبل از پیروزی قطعی کوروش، مغان در آن شهر بسیار مشهور بودند... به‌وضوح، در زمان ظهور زرتشت این گروه علیه وی شورش کرده، اما پس از مدتی در راستای حفظ منزلت اجتماعی و گسترش صنعت خود، آن بهتر دیدند که به آیین زرتشت درآیند و خود را به عنوان روحانی و پیشوای دین معرفی کنند. (ناس، ۱۳۹۳: ۴۶۶).

اردشیر برای موبدان و هیربدان را مقرر کرد تا دستورهای دینی را برپا کنند و میان روا و ناروا فرق بگذارند (ثعالبی، ۱۳۶۸: ۳۰۶). در این ایام، روحانیان زرتشتی جان تازه‌ای گرفتند و رهبری این آیین را عهده‌دار شدند. آنها به چند دسته تقسیم می‌شدند. دسته اول، مردمان حکیمی بودند که با زهد و پارسایی چنان نفوذی در میان مردم کسب کرده بودند که شاهان پارس بدون مشورت با آنها تصمیمی اتخاذ نمی‌کردند و دسته‌های پایین‌تر، کتاب وحی را به طلسم و جادویی بدل ساخته بودند و به خواب‌گزاری، جادوگری و غیب‌گویی می‌پرداختند (دورانت، ۱۳۹۰: ۲۶۷-۲۶۶)..

#### ۱- جمع‌آوری اوستا و انتشار دین زرتشتی

دوره ساسانی شاهد انتقال کند، اما مداوم، فرهنگ شفاهی به فرهنگ مکتوب بود. هر قدر روحانیان زرتشتی دوره ساسانی در استخدام و پرداخت اجرت نسخه‌نویسان و کاتبان گشاده‌دستی نشان داده باشند و از فرستادن آموزگاران به مکاتب مذهبی برای آموزش الفبای نوین الفبایی دریغ نکرده باشند، باز هم این امر جریانی وقت‌گیر بوده است. با این‌همه، خط اوستایی را با چنان کفایتی آموزش دادند که در پایان دوره ساسانی، لااقل در خود ایران مهارت در کاربرد آن یکی از ضروریات شغلی روحانی حرفه‌ای زرتشتی دانسته شود (بویس، ۱۳۷۵: ۱۱۰-۱۰۸). ویکاندر، محقق آلمانی، معتقد است مغان یا موبدان و کاهن‌دین زرتشت در شمال غربی ایران دارای نوشته‌هایی به نام زند بودند که در اصل بر پایه عقاید زروانیستی بنا شده بود، در حالی که هیربدان یا کاهنان جنوب ایران به فارسی نوشته و کتاب نداشتند و سینه‌به‌سینه اصولی را تعلیم می‌دادند که اپستاک نامیده می‌شد. رفته‌رفته پس از یک مبارزه طولانی، مغان بر هیربدان مسلط شدند و اتحادی بین آنها به وجود آمد که در آن عقاید مغان برتری یافت. در این زمان، روایات جامعه‌ای اوستا را با روایت کتابت یا زند توأم کردند و «زند اوستا را به وجود آوردند که بعدها به نام اوستا و تفسیر آن نامیده شد (آشتیانی، ۱۳۶۷: ۱۱۴). در دورانی که وحدت ایران تحت حکومت ساسانیان تحقق می‌یافت، امر گردآوری

و انشای اوستا رونقی بسزا یافت. اقدامات پر دامنه‌ای صورت گرفت تا زرتشتی‌گری پایدار و استوار شود و بعضی جریانات مذهبی از آن طرد و جریانات دیگری بدان ملحق شود و به صورتی درآید که جوابگوی منافع روحانیان عالی‌مقام زرتشتی و طبقات زمامدار باشد. گمان می‌رود روحانیان زرتشتی، یعنی محرران متن مدون اوستا، در طی فعالیت خود، آنچه را که به‌زعم خویش اصیل و باستانی نمی‌شمردند از متن حذف کردند و بخشهای نویی را که با نیازمندی‌های کیش مزبور سازگار بود، بدان افزودند (ارانسکی، ۱۳۷۹: ۸۲).

براساس منابع پهلوی برای رفع اختلاف درباره نسخه صحیح اوستا، به فرمان شاپور دوم مجمعی به ریاست آذرباد مهرسپندان تشکیل شد. این شورا متن درست و قطعی اوستا را تصویب و آن را به ۲۱ نسک تقسیم کرد (زرین کوب، ۱۳۸۶: ۴۱-۴۲). افزودن خرده اوستا بر مجموعه اوستا را مربوط به این زمان می‌داند؛ زیرا با خرده اوستا، مشارکت در انجام وظایف و تکالیف دینی، غیرروحانیان نیز مشخص می‌شد (رجبی، ۱۳۸۲: ۱۸۴).

شاپور دوم درصدد برآمد اختلافات مذهبی را که در آن زمان شدت داشت، از میان بردارد. مجلسی از پیشوایان دین تشکیل داد و در این مجلس آذرباد مهرسپندان پیشقدم شد و درخواست کرد برای اثبات حقانیت دین زرتشت در آزمایش قضایی شرکت کند. این آزمایش انجام شد و فلز گداخته بر روی سینه او ریختند. او آسیب ندید و پیروز شد (آشتیانی، ۱۳۶۷: ۴۳۱).

در دوران خسرو اول، در آن هنگام که مردمان در شک و تردید به سر می‌بردند، پیشوایان در آتشکده آذر فرنیغ (farroby) در فارس گرد آمدند و موبدی با نام ویراف را که از طبقه روحانیان بود برگزیدند که وی صلاحیت چنین کشف و شهودی را یافت. در ارداویرافنامه، سروش اهلا و ایزد آذر ویراف را در نخستین شب مرگ ظاهری با صفت «اردا» به معنی مقدس می‌خوانند. در بخش نخست ارداویرافنامه آمده که «پس آن هفت مرد نشستند و از میان هفت تن سه تن و از میان سه یک تن ویرازنامه برگزیدند و نام او را وه‌شاپور هم گویند» تا از عالمی دیگر نتایج آنچه را می‌بیند برای هم‌دینان خود شرح دهد تا حقانیت دین زرتشت ثابت شود.



(ژنیو، ۱۳۷۲: ۱/۱۹). بدین سان خسرو مردم قلمروش را تحت لوای دین مغان متحد ساخت. خسرو باور داشت که اگر قرار باشد کیش زرتشتی باقی و پابرجا بماند، تنها از طریق اعمال زور و جبر ممکن نیست. او زرتشتی‌گری را به‌مثابه دینی ملی می‌انگاشت که ایران، بزرگی و عظمتش را مدیون آن بود (زور، ۱۳۷۵: ۳۲۱).

## ۲- انتخاب جانشین و تاج‌گذاری پادشاهان

انتخاب شاهنشاه توسط اعظم نمایندگان طبقات روحانی و لشکری و دیوانی یا موبدان موبد بوده و به‌موجب نامه تنسر، ترتیب تعیین ولیعهد از این قرار بود که شاهنشاه سه نسخه به خط خویش بنویسد و هریک را به امینی و معتمدی بسپارد، یکی به رئیس موبدان، دیگری به معتمد دبیران و سوم به اسپهبدان. در نامه تنسر، چنین آمده چون جهان از شاهنشاه بماند موبد موبدان را حاضر کنند و این دو نفر کس دیگر جمع می‌شوند و رأی می‌دهند، و اگر رأی موبد موبدان موافق رأی آن سه نفر باشد و به مردم خبر دهند اگر چنین نبود موبد تنها با هیربدان و دینداران و زهاد خلوت کند و به طاعت و زمزمه نشیند و از پس ایشان اهل صلاح و عفت به آمین و تفرع و خضوع و ابتهال دست بردارد، چون نماز شام از این فارغ شوند، آنچه خدای تعالی در دل موبد افکند به آن اعتماد کند و در آن شب به بارگاه تاج و سریر فرو نهند و موبد با هیربدان و اکابر و ارکان و اجله دولت به مجلس پادشاه‌زادگان شود و جمله صف زنند پیش و گویند مشورت خویش پیش خدای بزرگ. پس انتخاب پادشاه در وهله آخر منوط برای موبدان موبد بود که ضمناً وظیفه پرافتخار تاج‌گذاری را نیز داشت و به‌اندازه کفایت موقع روحانیان زرتشتی و رئیس آنان را در آن عهد واضح می‌کند (کریستن‌سن، ۱۳۷۶: ۲۸۸).

بدین سان هیچ‌یک از شاهانان سلسله برای خود جانشین بر نمی‌گزیدند، زیرا تا موبد موبدان رضایت نمی‌داد، شاه به تخت نمی‌نشست. او می‌توانست شاهی را خلع یا جانشین قانونی او را از سلطنت بردارد (نفیسی، ۱۳۸۳: ۲۳۷) لیکن در زمان پادشاهی که قدرتمند نبود، انتخاب جانشین به این صورت انجام می‌پذیرفت. اگر در جلسه به توافق نمی‌رسیدند، موبدان موبد با

مغان جلسه‌ای محرمانه تشکیل می‌داد و تصمیم نهایی گرفته می‌شد، اما در بعضی ایام، به دلایل سیاسی، این رسم در نظر گرفته نمی‌شد.

### ۳- اجرای مراسم و آداب دینی

در روزگار ساسانیان، آتشگاه همه‌جا از دیه و ناحیه تا شهر و ولایت تحت نظر هیربدان و موبدان مراسم نیایش را تعلیم و رهبری می‌کرد. در ولایت، آتشگاه‌های بزرگ و کهن نیز وجود داشت که غالباً هریک نزد طبقه‌ای از طبقات چهارگانه با تقدیس و تکریم بیشتری نگریسته می‌شد. آتش به تناسب اجتماعات و شهرها درجه مخصوص داشته است. آتش خانه را مانبد یا کدخدای خانه نگاه می‌داشته و نگاهبان آتش در هر عشیره یا دیه «آذران» مغ بوده، ولی در کوره یا استان «آتش بهرام - ورهران» هیئتی تحت ریاست یک موبد نگاه‌دارنده آتش بوده‌اند. از این انواع آتشکده‌های محلی که شاید هزاران عدد در سرتاسر شاهنشاهی بوده، چنان می‌نماید که در اواخر دوره ساسانی، به آتشکده‌های کوچک آذران و به آتش جاهای بزرگ تر آذروهرام می‌گفته‌اند (سامی، ۱۳۴۲: ۲۹۴-۲۹۳؛ زرین کوب، ۱۳۷۶: ۱۹۰؛ نفیسی، ۱۳۸۳: ۱۲۹). روشن نگه داشتن آتش آتشکده که پرچم ملی و دینی زرتشتیان بوده و مس کردن سالیانه آن با مخلوط کردنش با ۱۶ آتش گروه‌های مختلف مردم یکی از مهم‌ترین وظایف موبدان بوده و کوشش می‌کردند آتشکده را ساده و پاک نگاه دارند و محیطی روحانی ایجاد کنند، به طوری که حتی در دوره ساسانیان که دوران موبدشاهی نامیده شده، ساده زیستن را سرلوحه مکان مقدس خود نگه داشته‌اند (قانعی، ۱۳۷۸: ۱۴۳).

نثارهای آب و آتش، اساس عمل عبادی روزانه‌ای را هم تشکیل می‌داده‌اند که ایرانیان آن را یسنه می‌نامیده‌اند. در این مراسم برای زئوثره آتش حیوانی را قربانی می‌کردند. نزد آنان، میان انسان و جانوران حس قوی خویشاوندی وجود داشت که در بخشی دیرینه از آیین عبادی یسنه، با این عبارت‌ها از آن یاد شده است «گرامی می‌داریم روان‌های خود و روان‌های چارپایان که مایه پرورش ما هستند... و روان‌های جانوران وحشی بی‌آزار را» (یسنا ۳۹، بندهای ۱-۲). نثار

آیینی به آب‌ها که در پایان آیین یسنه انجام می‌شد، از شیر، برگ‌های نوعی گیاه، و شیرۀ حاصل از ساییدن شاخه‌های گیاهی دیگر فراهم می‌آمده است. گیاهی را که می‌سایند، به سنسکریت سومه و به اوستایی هئومه می‌نامیدند. (بویس، ۱۳۸۱: ۲۷). «صفات مرد اشو در وندیداد، ۹، بند ۲ می‌آید باید معادل مرد روحانی و برگزار کننده مراسم دینی و از آن جمله آیین تطهیر و برشوم دانست بار دیگر که اشویی به معنای دینداری و برگزاری مراسم آیینی دینی به کار می‌رود». (مزداپور، ۱۳۶۹: ۱۷۱)

#### ۴- اجرای دادرسی و قضاوت

روحانیان زرتشتی همه علوم رابه خودتخصیص داده بودند. قضات و داوری در اختیار روحانیان بود. محاکم هر ناحیه را یک نفر روحانی اداره می‌کرد و به‌طور کلی، مراقب بود احکام و اعمال رؤسای غیرروحانی ناحیه نیز کاملاً موافق عدالت باشد. می‌توان حدس زد که بسیاری از مأموران قضایی که مناصب خصوصی داشتند، موبد یا هیربد بوده‌اند، چنانچه هیربدان به‌عنوان قضات فتوا نیز می‌دادند (کریستن‌سن، ۱۳۷۶: ۳۳۳). ولی در دعاوی حقوقی رأی موبدان موبد بر دیگران تفوق داشت و رأی او قابل فسخ و نقض نبود (سامی، ۱۳۴۲: ۲۱۵). حتی در بعضی موارد، خصوصاً در هنگام ضعف پادشاهان، محاکمه به عهده موبدان موبد بوده است (خواجه نظام‌الملک طوسی، ۱۳۶۴: ۹). هرگاه پادشاهان ساسانی از حریم قوانین پیش‌بینی‌شده روحانیان تخطی می‌کردند یا لغزشی را در این مورد مرتکب می‌شدند، روحانیان جریان را به‌گونه‌ای اداره می‌کردند که پادشاه به خطای خود پی ببرد و تنبیه شود. این مسائل در نزد موبدان ساسانی، تکالیف آنها بود و روحانیت ساسانی خود را در مقابل جامعه مسئول می‌دانست و از سلسله‌اختیاراتی که در این زمینه برای خود در نظر گرفته بود، بهره می‌گرفت. زیرا موبدان ساسانی معتبرترین مأخذ را کتاب‌های دینی می‌دانستند و در حریم این نوشته‌ها به وضع ضوابط و قوانین در همه شئون جامعه ساسانی می‌پرداختند (خدادادیان، ۱۳۸۱: ۱۴۳).

#### ۵- مراسم مبارزه با دیوها و اهریمن

یکی از وظایف موبدان زرتشتی مراسم مبارزه با دیوها و اهریمن بود. این مراسم در وندیداد صورت تشریفاتی به خود گرفت و برای نزاعها و جدالها با دیوان و عوامل شر بعضی مناسک و رسوم برای آدمیان وضع شد و از این رو تغییر هدف منظور موجب شد که بعضی از اعمال و عبادات قدیم که برای تنزیه و تطهیر انسان از سحر و جادو مقرر شده بود، صورت مخالفی به خود گرفت. در آغاز ظهور زرتشت، نبرد آدمی با دیوها و اهریمنان در میدان بزرگ زندگی اساساً امری اخلاقی بوده، ولی به منظور باطل کردن نیروی دیوان و دوری از اهریمنان از روان انسان، وندیداد التزام مسائل و تعالیم روحانی را رها کرد و برای جلوگیری از آن اهریمنان دستور استعمال افسونها را توصیه نمود. خواندن بعضی آیات و قرائت چند عبارت از گاتهای زرتشت و خواندن مانتره برای جلوگیری از شیاطین شریر مؤثر و سودمند شناخته شده است. وسیله مؤثر دیگری برای باطل کردن شر و ایمن ماندن از آزار دیوها شربت الهی هوم شناخته شد (ناس، ۱۳۹۳: ۴۷۲).

#### ۶- اخترشناسی و طالع بینی

یکی از هنرهای مغان طالع بینی بود. چون به آتش می نگریستند، از آینده خبر می دادند و به وسیله حسابهای نجومی زایجه طالع می گرفتند (کریستن سن، ۱۳۷۶: ۱۷۲). این یکی از وجوه فعالیت مغی بود، با بن مایه ای کم رنگ از دین اولیه آریایی که از قضا تفاوت آشکاری هم با دین بابلی و آیین مهر داشته است. مولتن می گوید، در اوستا اشاره ای به این مقوله که بتوان سرنوشت فردی یا قومی را در آسمان خواند، مشاهده نمی شود. از جنبه های دینی صرف اخترشناسی واقعی که بگذریم، مابقی با اصول و عقاید مغی پیوسته بوده است (معیری، ۱۳۸۱: ۱۲۷). لیکن طالع بینی یکی از علوم اوستا بود که از فنون مغان شده بود. در کارنامه اردشیر بابکان نیز اردشیر و اردوان به هنگام سختی با دانایان و معبران و ستاره شناسان مشورت می کنند (محمودآبادی، ۱۳۸۴: ۱۱۸). در ایران باستان، اخترگویی و طالع بینی نقش برجسته ای داشت و

شاهان ساسانی با اخترگویان درباره آینده و کارهایی که تصمیم داشتند انجام دهند مشورت می‌کردند (دریایی، ۱۳۹۰: ۲۱۱).

#### ۷- تعلیم و تربیت

در میان دوره ساسانیان، روحانیت آن‌گونه نبود که اقتضائات تشریفات عبادی بود، بلکه با تفکر متعبدانه و اداره اخروی افراد بود. به‌طور مشترک، دروس تمام طبقات با روحانیان اداره می‌شد، زیرا قبیله دارای تمام علوم زمان بود. علاوه بر این، کتاب‌ها و ترجمه‌های آسمانی به‌خاطر آنها توزیع شد که در فلسفه و فلسفه دینی بی‌شمار بود. تعلیم و تربیت نجیب‌زادگان و شاهزادگان، پرورش نسل‌ها، تربیت شاهزادگان از جمله ولیعهد پادشاه از اختیارات و وظایف روحانیان ساسانی به‌شمار آمده است (خدادادیان، ۱۳۸۱: ۱۴۲). موبدان در واقع مردان وارسته و فرزانه‌ای بودند که شاهنشاهی ایرانیان را شدید تحت تأثیر خود قرار دادند و معمولاً تربیت شاهزادگان به آنان واگذار می‌شد. اما اینکه سیسرون در این خصوص ادعا کرده که ولیعهدی نمی‌توانست پادشاه پارس‌ها شود، مگر اینکه تربیت‌یافته موبدان بوده باشد، گزافه است. (ورمازرن، ۱۳۷۲: ۱۳-۱۲). تعلیم و تربیت مختص فرزندان ثروتمندان و بزرگان بود. پسران ثروتمندان و نجبا از پنج‌سالگی تا بیست‌و‌چهارسالگی به مدرسه می‌رفتند و وظیفه آموزش آنان را مغان عهده‌دار بودند. موارد بررسی آن زمان شامل مسائل دینی برگرفته از اوستا و طب و حقوق بود. برخی از فرزندان اشراف را با آموزش خاص برای فرمانداری استان‌ها و تصدی مشاغل دولتی آماده می‌کردند و به آنها، شکار، کشاورزی و شنا می‌آموختند (دورانت، ۱۳۹۰: ۲۶۸). اما آموزش عامه مردم از هفت‌سالگی شروع می‌شد و تا هفده‌سالگی ادامه داشت (جعفری، ۱۹۹۲: ۹). روحانیان مدبران و مرشدان اخلاقی و طبیبان روحانی مردم بودند. شکی نیست که لااقل قسمتی از تعلیم ابتدایی و کلیه معارف عالی به دست موبدان بود. لکن در این باب اطلاعاتی به ما نرسیده است. می‌دانیم که ملک‌زادگان و فرزندان اعیان خواندن و نوشتن و حساب کردن را فرا گرفته و در نخچیر و چوگان و شطرنج و نرد و سواری تربیت دیده بودند.

جوانان اشراف قبل از هر چیز بایستی رسم سلحشوری را می‌آموختند (کریستن سن، ۱۳۸۶: ۹۹-۱۰۰؛ نژاداکبری مهربان، ۱۳۸۶: ۲۱۱-۲۱۰).

احتمالاً تعلیم دختران بیشتر مربوط به اصول خانه‌داری بوده است. به‌علاوه بغ‌نسک صریحاً از تعلیمات زن در فن خانه‌داری بحث می‌کند (بارتلمه، ۱۳۵۷: ۴۳). چنین نوشته شده که «زن و فرزند خویش را از تحصیل دانش و کسب هنر باز مدار تا غم و اندوه بر تو راه نیابد و در آینده پشیمان نگردی اگر تو را فرزندی خردسال است (خواه پسر، خواه دختر)، او را به دبستان فرست، زیرا فروغ دانش دیده‌ی روشن و بیناست» (موسوی، ۱۳۸۲: ۵۳).

#### ۸- آیین ازدواج و زناشویی

در دوره ساسانی، چیزی که بیش از همه دستخوش تصرف و ناسخ و منسوخ و جرح و تعدیل موبدان بود حقوق شخصی است. مخصوصاً احکام نکاح و ارث به‌اندازه‌ای پیچیده و مهم بود که موبدان هرچه می‌خواستند می‌کردند و در این زمینه اختیاراتی داشتند که در هیچ شریعتی به روحانیان نداده‌اند، چنان‌که می‌توان گفت مردم در این پیچاپیچ احکام و تعبیرات شخصی نامحدود تکلیف خود را نمی‌دانستند و ناچار می‌بایست از هرچه موبدان می‌گفتند پیروی می‌کردند. در این دوره، خانواده و مالکیت که در هر تمدنی اساس جامعه و مذهب را فراهم می‌کنند و مدار زندگی اجتماعی است پایه و مبنای درستی نداشت؛ گذشته از آنکه طبقات متعدد و اکثریت هنگفت مردم کشور از حق مالکیت به نفع طبقات ممتاز محروم بودند. تشکیل خانواده هم بر اساس و روش مستدل و پابرجا استوار نبود. اساساً زن متعدد گرفتن مجاز نبود، ولی با اجازه موبدان می‌شد چند زن گرفت (محمودآبادی، ۱۳۷۸: ۲۵۶-۲۵۵). در خرده اوستا که به زبان پهلوی است، یکی از عقدنامه‌های دوران ساسانی عنوان «پیمان کدخدایی» یافته است. در بخشی از این متن، پیمان ازدواج را مطابق آیین و دین زرتشتی اجرا کرده، از زبان مادر داماد می‌گوید «اهورامزدا بر تو گواه باد! مهر، سروش، رشن راست... بر تو گواه باد! فروهر زرتشت سپیتمان بر تو گواه باد! و من که هیربدم بر تو گواه باد» (آموزگار، ۱۳۹۰: ۲۹۷).

زندگی زناشویی زیر نفوذ عمیق موبدان بود. دختر موظف بود در نه سالگی با شوهری که برایش انتخاب می‌کنند ازدواج کند و اگر دختری مدت طولانی از این کار سر باز می‌زند و زندگی بدون شوهر را ترجیح می‌داد، سزاوار مرگ بود. این مجازات همچنین برای زنی که به قهر شوهر خود را ترک گفته در نظر گرفته می‌شد (دریایی، ۱۳۸۳: ۱۷۵-۱۷۳).

#### ۹- مراسم مربوط به مردگان

بحث مرگ و تدفین در دین زرتشتی یکی از مسائل مهم بود. آیین دفن مردگان مراسم پیچیده‌ای بود که توسط موبدان انجام می‌گرفت.

ابتدا مردگان را با آب غسل و شستشو می‌دهند سپس مراسمی موبدان برای مردگان به نام سگ دید انجام می‌دادند درج ناسود در فصل هفتم و نندیدادیک افریت و دیو نا مرئی خطرناکی است و در جسد مرده آدمی وارد می‌شود و جسد راناپاک می‌نماید و برای راندن آن باید یک سگ سفید با گوش‌های زرد در نزدیک جسد حاضر نمایند. هنگامی که چشم سگ به جسد مرده افتد دیو درج ناسو به شکل یک مگس از جسد دور می‌شود و به مناطق شمال می‌گریزد این زمان را سگ دید نامند. (دارمستتر، ۱۳۸۵: ۱۱۲). از احکام دیگر دین زرتشت گذاشتن اموات در دخمه‌هاست که معمولاً محوطه‌ای است دور و دیوار بلند دارد و زمین آن را به مرزهایی تقسیم کرده‌اند و اموات را در آنجا می‌گذارند تا کرکس و عقاب آن را متلاشی کنند. وقتی به جز استخوان خشک دیگر چیزی باقی نماند، این استخوان را در محلی موسوم به استخوان‌دان می‌گذارند و معمولاً این دخمه را دور از شهر در کوهستان می‌سازند. امروزه در برخی از نواحی، زرتشتیان می‌کوشند این عادت را رها کنند و مرده را به خاک بسپارند (نفیسی، ۱۳۸۳: ۹۹).

#### نتیجه‌گیری

در عصر ساسانی براساس اندیشه و باورهای دینی زرتشتی‌گری ساسانی و با بهره‌گیری از جبرگرایی دینی و تسلط سیاسی و اجتماعی، ظلم و ستم طبقاتی را به توده مردم تحمیل کرده بودند و مردم راهی جز تسلیم و سکوت در برابر ستم حاکمان و نابرابری اجتماعی نداشتند.

علاوه بر این، فساد دستگاه حاکمیت در کنار تسلط موبدان و روحانیان مذهبی باعث نارضایتی‌های عمومی شده بود و پیوسته افزایش می‌یافت. به نظر می‌رسد اندیشهٔ مغان بر دین زرتشتی سایه افکند. در واقع، اندیشهٔ دینی زرتشتی تبدیل به اندیشهٔ مغان شد. چنانچه حرکت‌ها و جنبش‌های اجتماعی از درون روحانیان زرتشتی چون مزدک نشانگر خرد ورزی ایرانیان است. تحولات سیاسی و اجتماعی می‌توان گفت درک درست از مناسبات نابرابر و ناعادلانه در طی سده‌های بعدی توانست تحولات گسترده‌ای پدید آورد. به دنبال همین مناسبات عادلانه جامعهٔ ایران شیفتهٔ اندیشهٔ برابری طلبانهٔ پس از ورود اسلام به ایران شد. بعد از این دوره، رکودی بر پیکرهٔ سیاست این سلسله حاکم شد، آن‌گونه که دیگر دین زرتشتی در موقعیتی نبود تا در مقابل هجوم همه‌جانبهٔ مسلمانان پایداری کند.

#### فهرست منابع

- ۱- آذرفرنبغ فرخزادان و آذرباد امیدان، (۱۳۸۱)، کتاب سوم دینکرد، دفتر دوم، درسنامهٔ دین مزدایی، ترجمهٔ فریدون فضیلت، انتشارات مهرآیین، تهران.
- ۲- آذرفرنبغ پسر فرخزاد و آذرباد پسر امید، (۱۳۸۶)، کتاب پنجم دینکرد، ترجمه و آوانویسی از ژاله آموزگار و احمد تفضلی، انتشارات معین، تهران.
- ۳- آشتیانی، جلال‌الدین، (۱۳۶۷)، زرتشت: مزدیسنا و حکومت، شرکت سهامی انتشار، تهران.
- ۴- آموزگار، ژاله، (۱۳۹۰)، زبان، فرهنگ، اسطوره، انتشارات معین، تهران.
- ۵- ارناسکی، ای. م.، (۱۳۷۹)، مقدمهٔ فقه‌الغۀ ایرانی، ترجمهٔ کریم کشاورز، پیام، تهران.
- ۶- اکبرزاده، داریوش و طاووسی، محمود، (۱۳۸۴)، کتیبه‌های فارسی میانه (پهلوی ساسانی)، انتشارات نقش هستی، تهران.
- ۷- ایمان‌پور، محمدتقی، (۱۳۶۹)، «نقش روحانیان زرتشتی در تقویت حکومت ساسانی و دیانت زرتشتی»، فصلنامهٔ مطالعات تاریخی، سال دوم، شمارهٔ ۶، صص ۲۱۱-۲۳۴.
- ۸- ایمان‌پور، محمدتقی، (۱۳۷۱)، «مبانی نفوذ و مقام روحانیان زرتشتی در دورهٔ ساسانی»، مجلهٔ



- دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی، دوره ۲۵، ش ۱-۲، صص ۲۷۳-۲۸۸.
- ۹- بار، کای و آسموسن و بویس، مری، (۱۳۸۴)، دیانت زرتشتی، ترجمه فریدون وهمن، انتشارات جامی، تهران.)
- ۱۰- بروسیوس، ماریا، (۱۳۸۸)، ایران باستان، ترجمه عیسی عبدی، نشر ماهی، تهران..
- ۱۱- بویس، مری، (۱۳۷۵)، تاریخ کیش زرتشت، ج ۳، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، انتشارات توس، تهران.
- ۱۲- بهار، مهرداد، (۱۳۸۰)، ادیان آسیایی، نشر چشمه، تهران.
- ۱۳- بهار، مهرداد، (۱۳۸۷)، از اسطوره تا تاریخ، نشر چشمه، تهران.
- ۱۴- پورداود، ابراهیم، (۱۳۸۶ ب)، یسنا، انتشارات انجمن زردشتیان ایران، تهران.
- ۱۵- پیرنیا، حسن، (۱۳۸۴)، تاریخ ایران قبل از اسلام، انتشارات نگارستان کتاب، تهران
- ۱۶- جلالی نائینی، سید محمدرضا، (۱۳۸۴)، ثنویان در عهد باستان، انتشارات طهوری، تهران.
- ۱۷- خواجه نظام‌الملک طوسی، (۱۳۶۴)، سیاستنامه (سیرالملوک)، به کوشش جعفر شعار، انتشارات کتابهای جیبی، تهران.
- ۱۸- دارمستر، جیمز، (۱۳۸۵)، مجموعه قوانین زرتشت (وندیداد اوستا)، ترجمه موسی جوان، انتشارات دنیای کتاب، تهران.
- ۱۹- دریایی، تورج، (۱۳۸۳)، سقوط ساسانیان، ترجمه منصوره اتحادیه (نظام‌مافی) و فرحناز امیرخانی حسینک‌لو، چاپ دوم، نشر تاریخ ایران، تهران.
- ۲۰- فرنیغ دادگی، (۱۳۹۰)، بندهشن، گزارنده مهرداد بهار، انتشارات توس، تهران.
- ۲۱- قانعی، سعید، (۱۳۸۷)، زرتشت پیامبر ایران باستان، انتشارات به‌آفرین، تهران.
- ۲۲- کریستن‌سن، آرتور، (۱۳۷۴)، وضع ملت و دولت در دربار در دوره شاهنشاهی ساسانیان، ترجمه مجتبی مینوی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.
- ۲۳- کریستن‌سن، آرتور، (۱۳۸۹)، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، انتشارات نگاه

- ۲۴- ماوردی، (۱۳۸۳)، آیین حکمرانی، ترجمه و تحقیق حسین صابری، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- ۲۵- متون پهلوی، (۱۳۷۱)، گردآورنده جاماسب جی دستور منوچهر جی جاماسب آسانا، گزارش سعید عریان، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران.
- ۲۶- مجتبابی، فتح‌الله، (۱۳۵۲)، شهر زیبای افلاطون و شاهی آرمانی در ایران باستان، انتشارات انجمن فرهنگ ایران باستان، تهران.
- ۲۷- محمودآبادی، سید اصغر، (۱۳۷۸)، تاریخ فرهنگ و سیاست در ایران باستان، انتشارات مهزیار، اهواز.
- ۲۸- محمودآبادی، سید اصغر، (۱۳۸۴)، امپراطوری ساسانیان در گزارش‌های تاریخی اسلامی و غربی، انتشارات
- ۲۹- مزدپور، کنایون، (۱۳۶۹)، حیات اجتماعی زن در تاریخ ایران، انتشارات امیر کبیر، تهران
- ۳۰- معیری، هایده، (۱۳۸۱)، مغان در تاریخ باستان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.
- ۳۱- موسوی، سید حسن، (۱۳۸۲)، فرهنگ و تمدن ساسانی، نشر آرمانگرا، شیراز.
- ۳۲- میرشفیعی، سید عباس، (۱۳۹۳)، سقوط امپراطوری ایران، انتشارات جمهوری، تهران.
- ۳۳- مینوی خرد، (۱۳۹۱)، ترجمه احمد فضل‌ی، به کوشش ژاله آموزگار، انتشارات توس، تهران
- ۳۴- ناس، جان بویر، (۱۳۹۳)، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی‌اصغر حکمت، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- ۳۵- نفیسی، سعید، (۱۳۴۲)، تاریخ اجتماعی ایران از انقراض ساسانیان تا انقراض امویان، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، تهران.
- ۳۶- نژاداکبری مهربان، مریم، (۱۳۸۶)، شاهنشاهی ساسانیان، بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه، تهران.
- ۳۷- ورمازرن، مارتن، (۱۳۷۲)، آیین میترا، ترجمه بزرگ نادرزاد، نشر چشمه، تهران